

بصفت

سخن سر دیر

وحدت مردمی، تیغ بُرندهٔ فساد

جمهوری اسلامی ایران، حکومتی که رأی و خواست مردم در بطن آن نهفته است فساد و عوامل فساد را بر نمی‌تابد. مهم‌ترین عامل فسادستیز بودن جمهوری اسلامی، مردمی بودن آن است. مردم هیچگونه فسادی را در بدنهٔ نظام نمی‌پسندند و اگر از فسادی آگاهی یابند علیه آن واکنش نشان می‌دهند و به هیچ وجه عقب نمی‌نشینند. تاریخ انقلاب اسلامی به ما گوشزد می‌کند جمهوری اسلامی را مردم انتخاب کردند؛ چون از فساد و منفعت طلبی رژیم پهلوی خسته شده بودند. مردم ایران برای به دست آوردن چنین نظام پاکی که عاری از هرگونه فساد و تیرگی است، فرمان امام(ره) را آویزهٔ گوش خود کردند و به مقابله با حکومت فاسد شاه برخاستند. بهای آن را نیز پرداختند. آنها در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ میدان ژالهٔ تهران را به خون خود رنگین کردند. مردم جان بر کف ایران در قیام ۱۷ شهریور به تمام جهان ثابت کردند که تحمل هیچگونه ظلم و فسادی را ندارند. قیام ۱۷ شهریور به زیبایی وحدت مردم برای رسیدن به حکوت دینی را به تصویر کشید. از مهم‌ترین دلایلی که ثابت می‌کند فساد در جمهوری اسلامی سیستمی نیست، همین بعد مردمی بودن آن است؛ زیرا مخالف اصلی فساد، مردم هستند. در همه جای دنیا مردم متحد و یکدل، زیر سایهٔ حضرت حق، زیباترین حماسه‌ها را می‌آفرینند. اربعین نیز تابلوی حرکت جمعی و یک صدای ملت است. در این پدیدهٔ تاریخی باورها، عقاید، ملیت، نژاد و زبان راهپیمایان متفاوت است اما همه یکدل و همراه هستند. همهٔ آنها تحت لوای حسین(ع) یک صدا عدالت، صلح و برابری را فریاد می‌زنند. بزرگترین اجتماع مردمی در طریق الحسین رقم می‌خورد. گرداب مشکلات و دشواری‌های کنونی کشور به خصوص در حوزهٔ اقتصاد ذره‌ای از حساسیت مردم نسبت به عملکرد مسئولین را نکاسته است. هنوز هم مردم در مقابل فساد و یا بی‌تدبیری مسئولین با اقتدار می‌ایستند و از آرمان‌های انقلاب با جان و دل دفاع می‌کنند.

رقیه خادم نیا



جمعهٔ خونین

«ص ۷»

این شماره از بی‌تعارف با گرامی داشت یاد تمام شهدای راه مبارزهٔ استکبار تقدیم می‌شود به رئیس علی دلواری که هیچ‌گاه مغلوب استعمار نشد و جان او را تیغ تیز نفوذ و خیانت گرفت.

قاب ۲؛ راهپیمایی اربعین سال ۱۴۰۱



و حُبُّ رَسُوْلِهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ
مُؤَيَّدٌ

سر مقاله: در ستایش صبر و صداقت

● هدیه گیاه تازه - کارشناسی آمار و کاربردها

تفکرهای فراگیر در جهان نگاه کنید، متوجه می‌شوید متولیان آنها انسان‌های صابر شکاری هستند. هیچ عجله‌ای ندارند تا طرز فکر آنها یک شبه دنیا را قبضه کند بلکه با تلاش و حوصله پس از مدت نه چندان کوتاهی

و اما صبر؛ حوادث چند روز گذشته در باب پلیس امنیت اخلاقی نشان می‌دهد ایجاد هر رفتار درستی نیازمند دلسوزی و مهارت کافی به همراه صبر وافر است. روایت جالبی از افسر ارشد وزرات اطلاعات آمریکا که مسئول

این نخستین بار نیست که همه ما متوجه می‌شویم جنگ روایت‌ها را با اختلاف فاحشی به رقیب واگذار کرده‌ایم. روایت‌ها هرچند گاهی غم‌انگیز و مایه تأسف هستند اما بی‌دلیل نیست که گفته‌اند نجات در صداقت است! برخی اتفاق‌ها هرچند دلگیری زیادی به همراه دارند و تا مدت‌ها کام اکثر انسان‌ها را تلخ می‌کنند اما تلخی گذرای دارند. در برخی اتفاق‌ها غم و نارضایتی، ناگزیر می‌نماید. آنچه تلخی ماندگار و ممتدی دارد نه حوادث ناراحت کننده که کتمان آنها و یا عدم صداقت در بیان آنهاست. نبود صداقت حتی اگر شما این بار تصمیم بگیرید واقعا واقعیت را هم بگویید، موجبات آن را فراهم می‌آورد که حرف شما از ارزش بیفتد. از همه بدتر حقی است که بر گردن افراد دیگر می‌گذارد. وقتی یک معلم همواره به دانش آموزان خود دروغ بگوید و این دروغ را به کل سیستم اداره کننده مدرسه نسبت دهد و حرف خود را از زبان مدیر مجموعه مطرح کند، اگر پس از چندی برود و معلم راستگویی هم جای او را بگیرد باز هم مدتی زمان نیاز است تا اعتماد از دست رفته دانش آموزان به معلم و کل مجموعه مدرسه ترمیم شود. این اثر نبود صداقت قابل تعمیم در تک تک مسئولین است و هر مسئول باید بداند اگر با مردم روراست نباشد و از پذیرش اشتباهات خود شانه خالی کند نه تنها صداقت خود را زیر سوال برده بلکه زحمت گزاف بر دوش شخص بعدی تحمیل کرده است.

وقتی یک معلم همواره به دانش آموزان خود دروغ بگوید و این دروغ را به کل سیستم اداره کننده مدرسه نسبت دهد و حرف خود را از زبان مدیر مجموعه مطرح کند، اگر پس از چندی برود و معلم راستگویی هم جای او را بگیرد باز هم مدتی زمان نیاز است تا اعتماد از دست رفته دانش آموزان به معلم و کل مجموعه مدرسه ترمیم شود. این اثر نبود صداقت قابل تعمیم در تک تک مسئولین است...

به آنچه مورد رضایت آنها است دست می‌یابند. اکنون در مقطعی به سر می‌بریم که باید بدانیم نگاه بلند مدت به همراه تلاش و حوصله و صداقت تنها راه جنسیتی و قومیتی و فرهنگی اگر رها شوند هر از چندی با برخورد به یک دیگر زلزله‌ای ایجاد می‌کنند که اگر برای آنها برنامه و فکری تنظیم نشود به یک باره آنچنان زمین لرزه‌ای ایجاد خواهند کرد که هر آنچه هست را زیر و رو می‌کنند و آن زمان دیگر راهی برای بازگشت وجود ندارد.

کودتای ۲۸ مرداد در ایران بوده است وجود دارد. او بیان می‌کند ایرانی‌ها هیچ وقت موفق نخواهند بود؛ زیرا که موفقیت به دو عنصر رازداری و صبر نیاز دارد که ایرانی‌ها از هر دو تهی هستند.

هرچند روایت بالا جای بحث بسیار دارد اما توجه به عنصر صبر حتی در یک افسر ارشد اطلاعات هم قابل توجه است. با توجه به اینکه صبر تلخ است ولی میوه‌ای شیرین دارد، برای قابل تحمل کردن این تلخی باید یک دیدگاه بلندمدت داشت و از دستور العمل‌های اضطراری شدیداً پرهیز کرد. اگر به طرز

اربعین، مردمی‌ترین پدیده تاریخ

تبلور مردم سالاری دینی در طریق الحسین

● رقیه خادم‌نیا - کارشناسی علوم تربیتی

میل باطنی خود صدها کیلومتر راه را برای زیارت آن حضرت می‌پیمایند. اربعین جلوه‌گاه برابری و عدالت است. وقتی تمام مردم جهان از هر دین و مذهبی و از هر رنگ و نژادی در این مسیر قرار می‌گیرند، برابری جلوه‌گری می‌کند. عدالت، مفهومی که در بطن مردم سالاری دینی گنجانده شده است و تمام ملت‌ها در پی برپایی آن هستند. ایمان دینی، اصلی که در اربعین نمایانگر عشق قلبی و درونی زائرین در این مسیر می‌باشد. اربعین اثبات دین به عنوان نیرویی است که مردم را در کنار یکدیگر ثابت قدم می‌کند. به عقیده دورکیم، جامعه شناس فرانسوی، دین است که یک جامعه را یکپارچه می‌سازد. مصداق این سخن را هر ساله در اربعین مشاهده می‌کنیم.

چنین حکومتی به جهان ثابت کرده حضور مردم در همه عرصه‌ها سبب پیروزی و درخشیدن بوده است. نمونه آن را در راهپیمایی عظیم مردمی در مسیر کربلا شاهد هستیم. مردم فوج فوج در کنار یکدیگر و مخلصانه برای عرض ارادت به امام بی‌سرع) و رساندن پیام عاشورا به تمام جهان قدم برمی‌دارند. اصول مردم سالاری دینی که شامل حاکمیت الهی و فضیلت محوری، عدالت محوری، ایمان دینی، تکلیف محوری و حق محوری است، به وضوح در اربعین خودنمایی می‌کند. عاشقان اباعبدالله(س) هر قدمی که در مسیر او برمی‌دارند، آن را فضیلتی وصف ناشدنی می‌دانند. آنها نه برای پول یا دریافت مقام یا ترفیع درجه‌ای بلکه صرفاً از روی

در نظام مردمی جمهوری اسلامی ایران، عشق به حسین(ع) دل‌ها را فارغ از هر مذهب و ملیتی به یکدیگر پیوند زده است. حب سالار شهیدان، دل‌ها را بیدار کرده و مردم ایران و سایر کشورها را به سوی سزمین کربلا دعوت کرده است. مردم عاشق نیز با گوش جان ندای هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنِیْ را می‌شنوند و با سر خود را به قافله محبین ارباب می‌رسانند. اربعین تبلور مردم سالاری دینی است و نظامی که بر این اساس باشد، خود سراسر عشق به حسین است. بی‌دلیل نبود که سردار دل‌ها ما را ملت امام حسین(ع) نامید. در نظام مردم سالاری خواست و اراده مردم در بستر دین صورت می‌پذیرد. در چنین نظامی خداوند حاکم مطلق محسوب می‌شود و مردم حاکمیت نسبی دارند.





دهند. آنچه در اربعین ۱۴۰۱ شاهد بودیم، بی‌تدبیری و خطا در پیش‌بینی مسئولین ایران و کشور مقصد بود. عدم تدبیر درست و چاره‌سازی به موقع سبب رنجش زائران و توقف در مرزها شد. انضباط اجتماعی در راهپیمایی اربعین ضروری است و این مهم نیاز به همراهی و تیزهوشی مسئولین نیز دارد. لذا باید با مدیریت مشترک ایران و عراق تسهیلاتی برای زائران اندیشید و از این مراسم باشکوه جهت افزایش وحدت و همبستگی بین مردم دو کشور و مسلمانان سایر کشورها بهره برد. با همه دشواری‌هایی که در میانه گرما و انبوه جمعیت برای زائرین اباعبدالله(ع) وجود داشت، ذره‌ای از حلاوت گام برداشتن در این مسیر در کام دلدادگان ایشان کاسته نشد. این جاذبه عشق حسین(ع) است که دل‌ها را برای زیارت او سخت پریشان کرده است.

آن احساس تکلیف می‌کنند. رفتار عوامل اجرایی و مهمان‌نوازی میزبان نشان از هویت جمعی اربعین دارد. وقتی تفاوت‌های قومی و میهنی نادیده گرفته می‌شود و افراد با احساسات و عقاید و اهداف مشترک تحت لوای پرچم حسینی روی به سوی کربلا دارند، هویت جمعی نمود پیدا می‌کند. این یعنی قدرت نرم مسلمانان.

از آنجایی که اربعین آیینۀ تمام‌نمای مردم سالاری دینی است، مسئولین نیز باید برای مردم احترام قائل شوند و تدابیر دقیق و کارآمدی را بیاندیشند. به فرمایش یکی از مسئولین: «برای اربعین دنبال تبصره و ماده نباشید؛ لذا کمیته‌ها به وظایف خود عمل کنند.» خدمات حمل و نقل، کار فرهنگی، خدمات بهداشتی و درمانی، حل مشکلات آب و برق موکب‌ها از جمله اموری است که مسئولین برای راحتی و آسودگی خاطر زوار اربعین باید انجام

مردم شرکت در اربعین را تکلیفی دینی و سیاسی می‌دانند که از طریق آن شهید کربلا را به جهان معرفی می‌کنند و پرچم اسلام را همچنان سرفراز نگاه می‌دارند. اصل دیگر مردم سالاری که در اربعین نمایان است، حق محوری است. جبهه حق، حسین(ع) است و تا امروز حسین(ع) با فریاد *أنا الحق* مردم را به سوی حق فراخوانده است.

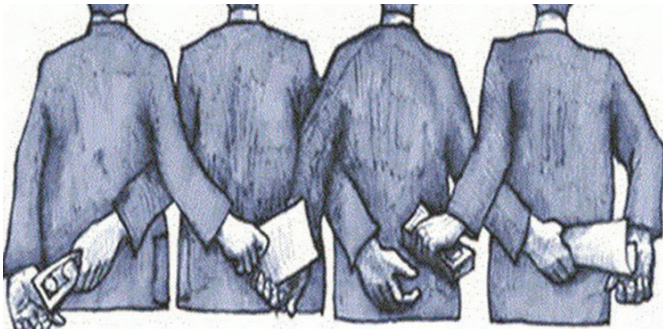
اربعین از بعد سیاسی نیز حامل یک پیام برای رسانه‌های غرب است. این راهپیمایی اقتدار شیعه را به رخ آنها می‌کشد. در زمانه‌ای که دشمن پلید به فرمایش رهبر اژدهای هفت سر، تمام هم و غم او تفرقه‌افکنی بین شیعه و سنی و سیاه نشان دادن اسلام است، اربعین مشت محکمی به دهان این شیطاں می‌باشد. این راهپیمایی جهانی یک جنبش اجتماعی نیز شناخته می‌شود. حرکت خیل عظیمی از جمعیت با پای پیاده در شرایط نامساعد، سرودها و پرچم‌هایی که در این مسیر به چشم می‌خورد، احساسات و عقاید مشترک، وحدت و همدلی میان میزبان و مهمان نشان از یک جنبش اجتماعی دارد. جنبشی که صرفاً مردم در آن نقش دارند. این پیاده‌روی مشتاقانه، هویت جمعی راهپیمایان حسینی را تشکیل می‌دهد. هویت جمعی، تعلق به حوزه یا قلمروی از حیات اجتماعی و احساس تکلیف در برابر آن محسوب می‌شود. مسلمانان و سایر ادیان جدا از هر ملیتی خود را متعلق به اربعین می‌دانند و در برابر



فساد شیادان

عرصه اقتصادی جمهوری اسلامی، دچار فساد سیستمی شده است؟

● زهرا عظیمی - کارشناسی علوم تربیتی



این روزها بیشتر درباره انواع و اقسام فسادها و اختلاس‌ها می‌خوانیم و مطلع می‌شویم. از ماجرای فساد ۹۲ هزار میلیاردی فولاد مبارکه تا اختلاس‌های معاونان و مشاوران وزرا، رشوه‌ها و زیرمیزی‌های اداره‌های دولتی و ده‌ها مصداق دیگر فساد. اما بحث اینجا است که آیا این مصادیق، اثبات‌کننده سیستم فاسد در نظام جمهوری اسلامی است؟ رهبری می‌فرماید: «نظام کنونی جمهوری اسلامی، سیستم فاسدی ندارد؛ اما فساد در آن می‌شود؛ باید جلوی این فساد را گرفت، شفاف‌سازی و با مفسد برخورد قانونی کرد.»

از آنجایی که از ارکان اساسی و اهداف متعالی انقلاب، تحقق عدالت بوده است؛ پس از انقلاب اسلامی، از جمله نهادهایی که به طور کلی و جزئی دگرگون گشت، نظام اقتصادی، حقوقی و قضایی کشور بود. مبنای ریسه سیستم، مبانی اسلام است که فسادستیز بوده و در برخورد با مفسد، قاطع است. اما امروز، وقتی خبر از اختلاس‌های چند ده هزار میلیاردی یا دزدی‌های چند صد میلیونی می‌شنویم، این گزاره در ذهن متبادر می‌شود که لاجرم این حجم از فساد، در یک سیستم فاسد رخ می‌دهد. اطلاع‌رسانی‌ها و پیگیری رسانه‌ها در حوزه فساد، حساسیت مردم را برانگیخته و باعث دل‌سردی مردم و تبعات منفی دیگری می‌شود.

اینکه این اعداد و ارقام در نظام اقتصادی کشور بالا و پایین می‌شوند و آب از آب (به ظاهر) تکان نمی‌خورد، خبر از باند یا شبکه فاسدی در دل نظام کلان اقتصادی - حکمرانی کشور می‌دهد. بدین معنا که شبکه فاسدی در دل بخش‌های اداری و بروکراتیک کشور و حتی تنظیم قوانین نفوذ یافته و بر اساس منافع گروه خود عمل می‌کند. به این نوع از فساد، فساد سیستماتیک به معنای فساد شبکه‌ای که شامل

مجموعه‌ای از عوامل و افراد هماهنگ با یک منفعت مشترک می‌شود، می‌گویند. سیستم در جمهوری اسلامی به خودی خود و در ذات خود فاسد و فسادآفرین نیست؛ لکن مع‌الاسف، با نفوذی که باند فساد دارد، باعث شده تا بستر فساد در برخی مواقع فراهم شود.

حال باید پرسید، لازمه‌هایی از این فساد شبکه‌ای که به ازدهای هفت‌سری می‌ماند، چیست؟

اول از همه دولت و سایر ارگان‌های وابسته آن باید زمینه اعتماد مردمی را فراهم کنند؛ چرا که این نظام تنها نظامی است که فقط و فقط با رأی همه مردم ایجاد شده و اساس و مبنای آن اسلامی است و هدف آن حرکت در مسیر اسلامی است. قطعاً تمامیت قوانین و حاکمیت، صد در صد اسلامی نیست و نقص‌هایی بر آن وارد است؛ اما آنچه این نظام را ارزشمند می‌سازد، آرمان آن است که رسیدن به حکومت اسلامی و مهدوی است. لازمه اصلی تحقق این هدف، نقش‌آفرینی مردم در حکمرانی است که اعتماد و امید عمومی زیربنای آن است.

دوم؛ قوه مجریه، به یکپارچه‌سازی و هماهنگی نهاد و ارگان‌ها بپردازد؛ یعنی با نظارت و شفافیت بیشتر، عملکردها و ساختارها، در جریان باشند تا خود به خود از بروز فساد، ممانعت به عمل آید. در ضمن، این نوع از نظارت نه فقط بر کارکرد آن نهاد تأکید کند که به صرف گزارش سالانه اکتفا شود؛ بلکه باید علاوه بر کارکرد کلی ساختار بر اشخاص، ضوابط و روابط آنها هم ناظر

بود. همچنین ناظران نباید از درون همان ساختار منظور باشند؛ بلکه باید از ساختاری که کمترین منفعت مشترک را دارد باشند تا نظارت دقیق و بی‌امضای صورت گیرد.

سوم؛ قوه مقننه، بسترهای فسادآفرین و نقص‌های قانونی را برطرف کند. شوربختانه در بحث نظام مالی و اقتصادی اسلامی، منابع کاملی که تمام ارگان‌های لازم برای حکمرانی کشور اسلامی را پوشش دهد، نیست؛ اما با پژوهش و پیشرفت علوم انسانی و اجتماعی بومی، می‌توان به بسط نظری رسید. لکن امری که انجام آن لازم و اولی است برای قوه مقننه، این است که با همکاری قوه قضائیه به اصلاح و وضع قوانینی که تسهیل‌گر بروز فساد سیستماتیک می‌شود، عزم جدی داشته باشد.

چهارم؛ قوه قضائیه، در برخورد با مفسد جدی باشد و بعلاوه نتیجه احکام مفسدان را برای مردم به طور مستمر گزارش دهد.

پس از ذکر این نکات، باید گفت فساد در جمهوری اسلامی، با اینکه اعداد و ارقام درشتی را شامل می‌شود و در سیستم، بستر مساعدی برای جولان دادن برخی دانه‌درشت‌ها فراهم شده، لکن کل سیستم را فرانگرفته است. اینکه صرفاً این فسادها بیان شوند، دردی را دوا نمی‌کنند و چه بسا دردآفرین هم باشند! آنچه این برهه از تاریخ جمهوری اسلامی می‌طلبد، مبارزه جدی با فساد است. این مبارزه هم باید از جانب مردم و دولت باشد تا به سرانجام برسد.

جمعه خونین

سیری در قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

● راضیه جلالی - کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

برای حرکت عظیم و ایثارگرانه صبح روز جمعه، هفده شهریور در میدان ژاله گردید.

ساعت ۹/۵ صبح روز جمعه هفدهم شهریور ۱۳۵۷، به یک باره از یک قسمت میدان ژاله که جمعیت بسیاری در آن جمع شده بود، صدای رگبار مسلسل‌ها شنیده شد. از بلندگوها فرمان آتش دادند و بالگردها نیز از آسمان مردم را زیر آتش گرفتند. جمعیت که فریاد «الله اکبر» و «مرگ بر شاه» سر می‌داد، در یک لحظه به خون خود غلطید. صحنه فجع و مصیبت‌بار و در واقع یک کشتار دسته جمعی به وجود آمده بود. خیابانی که دقایقی پیش از انبوه جمعیت سیاهی می‌زد، اکنون پر از اجساد، کفش‌های خونین، پلاکاردهای پاره شده و زخمی‌هایی شده بود که نشان‌کشان خود را به طرف دیگر می‌رساندند.

حادثه تظاهرات ۱۷ شهریور که به جمعه سیاه معروف شد، به واقعه کشتار تظاهرکنندگان در محلات فقیرنشین جنوب تهران و همچنین میدان ژاله، توسط نیروهای نظامی ارتش شاهنشاهی گفته می‌شود که در هفدهم شهریور ۱۳۵۷ و در جریان ناآرامی‌هایی که به پیروزی انقلاب ایران در این سال انجامید، رخ داد.



و این امر بر خشم و انزجار مردم از رژیم شاه می‌افزود. راهپیمایی‌های پی‌درپی و پرشور در شهرهای مختلف، به ویژه تظاهراتی که در روز عید فطر، سیزدهم شهریور، با حضور میلیون‌ها نفر در شهرهای مختلف برگزار گردید، نشان از یک حرکت بزرگ در آینده داشت. در تهران نیز با تلاش دکتر مفتاح، اجتماع عظیم یک میلیونی برای نماز عید فطر در تپه‌های قیطریه تشکیل یافت. پس از اتمام نماز، شهید باهنر سخنرانی افشاگرانه‌ای درباره اوضاع کشور ایراد کرد. در ساعت نه صبح، راهپیمایی طولانی نمازگزاران همراه با عکس‌های بزرگی از حضرت امام در پیشاپیش جمعیت آغاز شد. در آن روز از طرف جامعه روحانیت، روز پنجشنبه، شانزده شهریور به مناسبت شهدای چند روز پیش خیابان ژاله، تعطیل اعلام شد. تظاهرات عید فطر زمینه‌ای برای اجتماع شانزده شهریور و آن روز نیز مقدمه‌ای

پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، حرکت‌های انقلابی و راهپیمایی‌های عظیم توده ملت، روز به روز گسترش می‌یافت تا اینکه کابینه جمشید آموزگار پس از حادثه سینما رکس آبادان که به کشته شدن بیش از هفتصد نفر انجامید، به علت ناتوانی از پاسخ گویی، در چهارم شهریور ۱۳۵۷ مجبور به استعفا شد. شریف امامی مأمور تشکیل کابینه گردید و نقشة شاه با این تغییر و تحول، کاستن از نفرت و خشم عمومی بود. شریف امامی در نظر داشت با شعار آشتی ملی، آزادی ۲۳۷ نفر زندانی سیاسی، تعطیلی قمارخانه‌ها و تغییر مجدد تقویم شاهنشاهی به هجری شمسی، چهره دینی و مردم دوستی از خود نشان دهد؛ ولی در همان روزها، تظاهرات گسترده شهرهای قم و تهران ادامه پیدا کرد و چندین نفر به شهادت رسیدند. حضرت امام نیز در ششم شهریور برابر با بیست و سوم رمضان، با ارسال پیامی به ملت مسلمان ایران، درباره حمله‌های شاه اعلام خطر کرد و فرمود: «در این موقع تاریخ ایران، شاه به وسیله کارشناسان خود دست به توطئه خطرناکی زده است و در این پانزده سال و به خصوص ماه‌های اخیر که دژخیمان شاه با قتل عام‌های شهرستان‌ها، روی تاریخ را سیاه کرده‌اند، اکنون دست به نیرنگ شیطانی زده است.»

دولت شریف امامی که با شعار آشتی ملی به میدان آمده بود، هر روز با گلوله‌های سُرپی، چندین نفر را به شهادت می‌رساند



مردی با تردید ابدی

گوشه چشمی به فعالیت‌های سیاسی گورباچف، آخرین رهبر شوروی

● نداشت بزرگی - کارشناس حقوق



دارد؛ لذا سه عامل را می‌توان برای آن در نظر گرفت.

اولین عامل، اعتماد بی‌چون و چرا در پیمان منع سلاح‌های میانبرد هسته‌ای می‌باشد. او به تمام توافقات خود پایدار بود و به تمام آنها مو به مو عمل کرد ولی در این پیمان، آمریکا به جای اعمال حمایت‌های خود از گورباچف و دولت او بیشتر به کمک‌های غذایی و نه فروش محصولات غذایی و تزریق فرهنگ به کشور شوروی شد تا آنجا که اکثریت جوان‌های شوروی به پوشش آمریکایی روی آوردند و رفته رفته افکار و عقاید آمریکایی هم در آن شکل گرفت و حکومت حزبی گورباچف را مورد انتقاد قرار دادند.

دومین عامل، نارضایتی مردم از نگرش حزبی بود. برخلاف تصور عموم مردم مبنی بر مردمی بودن حکومت شوروی، در واقع این حکومت هویتی

واقع اذعان می‌کند: کوکا و مکدونالد آمریکا هیبت چکش و تبر شوروی را درهم شکست. این همه تلاش برای دریافت نیم نگاهی از سوی آمریکا بود ولی دریغ و صد دریغ مردی که وقتی بر سر کار آمد، ادعا می‌کرد که حکومت استالین راشکست و موانع دیگر را نیز از سر راه بر می‌دارد. ورود او به کاخ کرملین از جمله شکستن دیوار برلین در زمان رهبری او بود. این مرد با ابعاد و افکار مختلف مردی قهار در عرصه سیاست شناخته می‌شد. کسی که ادعا می‌کرد رهبر بلامنازع شوروی را شکست داده است؛ کسی که تا قبل از فروپاشی کشورهای تحت حاکمیت خود، امپراطور قلمرویی بود که شرق و غرب عالم را در برمی‌گرفت؛ کسی که تا پیش از این تنها صادرکننده سلاح به کشورهای جهان بود، باید به یک باره طومار امپراطوی او پیچیده شود. هلاکت چنین حکومتی جای تأمل

میخائیل گورباچف رهبر نام آشنای شوروی که به واسطه آخرین حضور او در شوروی و سیاست‌گذاری‌های خود شناخته شده است. رهبری که در دوران رهبری خود شاید بتوان او را تابوشکن در روابط دیپلماسی با آمریکا دانست. کسی که تمام تلاش و کوشش خود را به کار گرفت تا به چشم آمریکا بیاید. در تاریخ آمده است که در قراردادی که با آمریکا بسته بود، گورباچف به تمام تعهد خود عمل کرد ولی ذکر نشده است که آمریکا نیز به تعهدات خود عمل کرده باشد و به قول‌های خود جامه عمل پوشانده باشد. این روابط فقط به اینجا ختم نمی‌شود؛ کشوری که رهبران آن خود را بی‌نیاز از رابطه با غرب می‌دانستند تا آنجا پیش رفت که فروشگاه‌های مکدونالد و صف‌های طولانی خوراک عکاسان خبری و محافل خبری آن زمان شد. به طوری که خود آمریکا درباره این

مذهبی در بین مردم شوروی که از چندین کشور و منطقه با عقاید مختلف زندگی می‌کردند، مخالف بود. این مخالفت در همه کشور به شکل کمونیست و بی‌خدایی اجرا می‌شد. کلیساها تعطیل، مساجد بسته و کنیسه‌ها قفل بود. این درحالی است که حضرت امام(ره)

می‌کردند و اگر فردی از آن منطقه از اجرای این منویات ناراضی بود، به سرعت زندانی و در نهایت اعدام می‌شد. بدین خاطر، فضای بسته حزبی باعث نارضایتی مردم شد. سومین عامل، نداشتن دین و بنیان‌های اعتقادی بود. این حکومت با هر نوع از عقاید و مسلک‌های

کاملاً حزبی مارکسیست داشت؛ یعنی هر منطقه با رأیی که می‌داد، اعضای شورای حزبی منطقه خود را انتخاب می‌کرد. این شورا متشکل از چندین نفر بودند و از آنها یک یا دو نفر نماینده برای حزب مرکزی نماینده بودند. هر کدام از این شوراها جزء به جزء عقاید حزبی را به مردم دیکته



تیزر تبلیغاتی بازی کند، یک لحظه به خود نهیب زد: «اگر می‌خواندم، شاید به این فلاکت نمی‌رسیدم و عزتمند زندگی می‌کردم.» در هر صورت دیگر راه برگشتی وجود نداشت و این مرد با یک تردید ابدی چشم از دنیا فرو بست.

نام کمونیست را فقط باید در موزه‌ها جستجو می‌کردیم و بعد از آن که فروپاشی انجام شد، گورباچف گفت: «اگر دوباره برگردم، نامه‌ی امام(ره) را می‌خوانم.» او تا زمانی که این نامه به گوش او رسید، دارای تردید بود که این الحاد حق است و رهبر اسلام درست می‌گوید. شاید زمان فروپاشی به خود گفته باشد. او قبل از مرگ وقتی مجبور شد در یک

طی نامه‌ای که به وسیله تیم اعزامی فرستاده، اذعان کرده بود که پس از این باید کمونیست و آثار آن را در موزه پیدا کنید. این سخن را در زمانی فرمودند که شوروی در اوج قدرت به سر می‌برد و سلاح به کشورهای دیگر صادر می‌کرد. امام(ره) درست پیش‌بینی کرده بود. این بی‌خدایی باعث از هم‌پاشیدگی سکان حکومت شوروی می‌شد و

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman_eslami_alzahra
@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۶۰۴۸۰۲۱۸۸

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه تازه

سردبیر: رقیه خادم نیا

هیئت تحریریه: رقیه خادم نیا، زهرا عظیمی، راضیه جلالی، ندا دشت بزرگی

صفحه آرا: زهرا جعفری